

وقف علمی و فرهنگی

سید مصطفی محقق داماد*^۱

چکیده

بر اساس حکمت متعالیه ملاصدرا، پیشرفت علمی یک ملت از طریق حرکت جوهری، به صورت تدریجی و بنیادین شکل می‌گیرد. ایشان درباره راز و سر صدقات و امور خیریه جاری بیان می‌دارد که اگر نفس آدمی از امور بی‌ارزش دنیوی منصرف گردد تا جایی می‌رسد که از غیر خدا منزّه و پاک می‌شود. تنزه از ما سوی الله مقام بسیار بالائی در سلسله مراتب تربیتی و معرفتی انسان دارد. ایشان بیان می‌دارد که منابع جهان محدود است و نامتناهی نمی‌باشد، لذا منافع و بهره‌های حاصل از منابع جهان میان همه انسان‌ها مشترک است. انحصار منافع جهان به بعضی افراد (که موجب محروم شدن بعضی دیگر می‌شود) از نظر عقلی امری قبیح است، نتیجه آنکه بایستی اموال مستخرج از منابع الهی از طریق صدقات بین انسان‌ها توزیع گردد. این بینش ضرورت تربیت دانشجویان و دانشمندان را در راستای مرجعیت علمی و تمدن ایرانی پشتیبانی می‌کند. از سوی دیگر، تجربه تاریخی ایران نشان داده که جذب و بازگرداندن دانشمندان به وطن نقش مهمی در توسعه علمی دارد، چنان‌که در دوره‌های مختلف، مراکز علمی همچون گندی شاپور، نظامیه‌ها و ریح رشیدی و سایر موارد با حمایت وقف علمی بستر مناسبی برای رشد نخبگان ایجاد کردند. وقف به‌عنوان یک سنت دیرینه، نیازمند بازنگری و انطباق با مقتضیات زمانه است تا در کنار حفظ روح معنوی خود، ابزارهای نوین علمی و فناوری‌های جدید را پشتیبانی کند. امروزه، تعریف وقف می‌تواند از اموال فیزیکی فراتر رفته و شامل دارایی‌های غیر ملموس همچون دانش، سهام و منابع مالی برای توسعه علمی گردد. این تحول، همراه با تقویت دیپلماسی علمی، زمینه‌ساز بازیابی جایگاه ایران در سپهر دانش جهانی خواهد شد. شایان ذکر است وقف در تمدن اسلامی با سایر نظام‌های وقفی جهان تفاوتی اساسی دارد، زیرا نیت واقف در آن قرب الهی است. برخلاف بنیادهای خیریه مدرن که اهداف اجتماعی یا اقتصادی دارند، وقف اسلامی به نیت تقرب به خدا انجام می‌شود و ماندگاری آن با ارزش‌های دنیوی و اخروی پیوند خورده است.

واژگان کلیدی: وقف علمی، مرجعیت علمی، تمدن علمی ایران، بازگرداندن دانشمندان به کشور، قرب الهی

* عهده‌دار مکاتبات: استاد، تلفن ۹۸۲۱۸۸۶۴۵۵۸۵+، آدرس الکترونیکی mdamad@me.com

^۱ استاد، عضو پیوسته و رئیس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم ایران

مقدمه

حسب نقل تواریخ و روایات سمت سقایت مردم و عمارت مسجدالحرام که در آیه زیر آمده نوعی کلیدداری و متولی امور بوده است.

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ
وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ (توبه/۱۹)

آیا سیراب کردن حجّاج، و آباد ساختن مسجدالحرام را، همانند (عمل) کسی قرار دادید که به خدا و روز قیامت ایمان آورده، و در راه او جهاد کرده است؟! (این دو) نزد خدا مساوی نیستند. و خداوند گروه ظالمان را هدایت نمی‌کند.

علامه طباطبایی در تفسیر المیزان می‌نویسد:

«در آثار آمده که سقایت، حوض‌های کوچکی از چرم بوده که در عهد قصی بن کلاب (یکی از اجداد پیامبر اسلام) آن را در سایه کعبه قرار می‌دادند و با شتر از چاه‌ها آب گوارا می‌کشیدند و در آنها می‌ریختند تا زائرین بیاشامند. قصی این سمت را بعد از خود به فرزندانش داد. هم‌اکنون سقایت عباس معروف است و آن محلی است که در عهد جاهلیت و اسلام اب در آنجا می‌ریختند و آن محل در جهت جنوبی زمزم است که با چاه چهل زراع فاصله دارد و بنایی بر آن ساخته‌اند که امروزه آن را «سقایة العباس» می‌نامند.» [۱]

وجود کعبه، مسجدالحرام، کارکرد متولیان و تشکیلات آنان در این امر نشان می‌دهد که موقوفاتی برای این امور وجود داشته که قابل تملک خصوصی نبوده است.

وقف در ایران قبل از اسلام

در ایران دردوره ساسانیان دانشگاه گندی‌شاپور تأسیس می‌شود. طبق گفته منفرد اولمن، اعضای گندی‌شاپور شامل بسیاری از دانشمندان و صنعتگران انطاکیه، از جمله پزشکان و فیلسوفان بود و گندی‌شاپور وارد دوران شکوفایی فرهنگی و فکری، به‌ویژه در علوم اثباتی مانند فیزیک، شیمی، زیست‌شناسی و ریاضیات شد [۲].

دانشمندان آکادمی آتن پس از بسته‌شدن آکادمی در سال ۵۲۹ م، توسط ژوستینین یکم راهی گندی‌شاپور شدند. خسرو اول از چنین محققان و فیلسوفان برجسته‌ای مانند داماسکیوس، سپیلیکیوس، الامیوس، پریسکیانوس، ایزیدور، هرم یاس و دیوجنس استقبال کرد. او پس از اسکان آنان در گندی‌شاپور، آنچه را که آنان برای

وقف به‌معنای اختصاص دادن اموال برای امور خیریه و عمومی، از جمله نهادهایی نیست که با ظهور اسلام تأسیس شده باشد، بلکه قبل از اسلام نیز در میان جوامع بشری و پیروان ادیان متداول بوده است. این سنت در مصر، یونان، روم و ایران باستان وجود داشته است. در این جوامع افراد خیر اموال خود را برای نگهداری و اداره معابد، صومعه‌ها، آتشکده‌ها و دیگر اماکن مذهبی اختصاص می‌دادند. به اصطلاح علم اصول فقه کلمه وقف دارای «حقیقت شرعی» و از ابداعات اسلام نمی‌باشد. بنابراین وقف از نهادهای امضایی است که اسلام با افزودن شرایط خاصی که خواهیم گفت، آن را تأیید و امضا نموده است.

به نظر می‌رسد آیاتی که در مورد ساختمان کعبه و مکه در قرآن مجید آمده، بیان انجام نوعی وقف توسط حضرت ابراهیم خلیل و فرزندش اسماعیل (ع) است.

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ (بقره/۱۲۷)

و هنگامی که ابراهیم و اسماعیل پایه‌های خانه [کعبه] را بالا می‌بردند [می‌گفتند] ای پروردگار ما از ما بپذیر که در حقیقت تو شنوای دانایی (بقره/۱۲۷)

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ (آل عمران/۹۶)

در حقیقت نخستین خانه‌ای که برای [عبادت] مردم نهاده شده همان است که در مکه است و مبارک و برای جهانیان [مایه] هدایت است (۹۶)

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بِوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْنَدَةً مِنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ (ابراهیم/۳۷)

پروردگارا من [یکی از] فرزندانم را در دره‌ای بی‌کشت نزد خانه محترم تو سکونت دادم، پروردگارا تا نماز را به پا دارند، پس دل‌های برخی از مردم را به‌سوی آنان گرایش ده و آنان را از محصولات [مورد نیازشان] روزی ده، باشد که سپاسگزاری کنند (۳۷)

تعبیر «بیت الله» و نیز «وضع للناس» بیان دیگری است از وقف فی سبیل الله.

دست‌ها پاکیزه‌ترین ظرف‌هاست؛ آنگاه با همان تری دست، بر شکم کشیدند و فرمودند: هر که با خوردن مال حرام، آتش در شکم خود کند از رحمت حق به دور است. سپس کلنگ را برداشتند و به درون چاه رفتند و مشغول کندن شدند، ولی آب برنیامد. از آنجا بیرون آمدند، در حالی که پیشانی مبارکشان خیس عرق بود. عرق از پیشانی پاک کردند و باز کلنگ را برداشتند و به درون چاه رفتند و پیوسته کلنگ می‌زدند، به‌حدی که صدای نفس مبارکشان به گوش می‌رسید. ناگاه آب فوران کرد و مانند گردن شتر از زمین بیرون جست، امام به‌سرعت از چاه بیرون آمدند و فرمودند: خدا را گواه می‌گیرم که این چشمه آب، صدقه است. کاغذ و قلم برایم بیاور. من به‌سرعت کاغذ و قلم آوردم. حضرت نوشتند: «به‌نام خداوند بخشنده مهربان. این چیزی است که بنده خدا علی، امیرمؤمنان صدقه داده است. این دو چشمه به نام‌های «عین ابی‌نیزر» و «بَغِیغَه» را بر فقرای مدینه و در راه‌ماندگان وقف نمودم تا بدین وسیله، در روز قیامت چهره خود را از آتش دوزخ مصون دارم. کسی حق فروش و بخشش آنها را ندارد تا آنگاه (یعنی قیامت) که خدا وارث آنها شود و خدا بهترین وارثان است، مگر آنکه حسن و حسین بدان‌ها محتاج شوند که ملک خالص آنها خواهد بود و هیچ‌کس دیگر حقی در آنها ندارد» [۵].

شرایط خاص وقف در دوره اسلامی

نهاد وقف در تمدن اسلامی از ویژگی خاصی برخوردار بوده که می‌توان آن را نقطه امتیاز وقف در فرهنگ اسلامی در مقایسه با سایر جوامع دانست. ویژگی خاص وقف اسلامی موضوع قصد قربت و وجه الله داشتن عمل وقف و سایر صدقات و خیرات است که در سطوراتی بیان خواهد شد.

متفکرین اسلامی در موضوع صدقات و خیرات مالی اسلامی، از جمله زکات و وقف، بر دو نکته انگشت نهاده‌اند: نخست، نقشی که این امور در توزیع ثروت و عدالت ترمیمی ایفا می‌کنند؛ و دوم، دیگری صرف مال به قصد تقرب به خدا - و به تعبیر قرآن «لوجه الله» - که در تربیت نفسانی شخص دهنده‌ی مال ایفاء می‌کند، به‌گونه‌ای که او را در مسیر سلوک الی الله و وصول به حضرت حق جل‌و‌علا یاری می‌رساند.

ملاصدرا‌ی شیرازی مؤسس حکمت متعالیه در کتاب «الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه» با الهام گرفتن از پیشینیان خود، ابن عربی و سید حیدر آملی، در دو بخش به بحث پیرامون

ادامه پژوهش و تحصیل علمی خود نیاز داشتند، فراهم ساخت. این محققان مدارس شهر را بازسازی و احیا کردند و در پژوهش‌های خود از آزادی بسیار برخوردار بودند [۲].

دو حادثه دیگر بر رشد علمی گندی‌شاپور و نفوذ آموزه‌های یونانی در این مرکز افزود: نخست آنکه در سال ۴۸۹ میلادی امپراتور زنون، در پی حکم تکفیری که پاپ در باب نسطوریان صادر کرده بود، مدرسه دینی و پزشکی رها را بست. متألهان این مرکز به نصیبین و پزشکان آنجا به گندی‌شاپور کوچیدند و بدین‌سان از قلمرو امپراتوری روم به پادشاهی ساسانی پناه بردند. در آن روزگار رها شهری کاملاً یونانی مآب بود، اما گندی‌شاپور دارای شهرتی جهانی و از هر تعصبی آزاد بود [۲]. حادثه دیگر در پی سخت‌گیری یوستی‌نیانوس، امپراتور روم (حک: ۵۲۷-۵۶۷ م)، بر نوافلاطونیان و بستن فرهنگستان آتن در ۵۲۹ میلادی رخ داد. هفت حکیم نوافلاطونی، آتن را ترک گفتند و به امید دیدار پادشاهی مطابق با آرمان جمهوری افلاطونی، به دربار انوشیروان روی آوردند [۲].

بیمارستان گندی‌شاپور به‌طور رسمی دارای مدرسه پزشکی و نخستین بیمارستان دارای داروخانه و بخش داروسازی تا دوره اسلامی و در جهان اسلام بوده‌است [۳].

وقف در دوره اسلامی

نخستین واقفین در دوره اسلامی پیشوایان دینی و در رأس همه حضرت مولای متقیان (ع) بوده‌است. به حدیث زیر توجه کنید:

چشمه‌ای در منطقه «ینبع» اطراف شهر مدینه وجود دارد که «عین ابی‌نیزر» نام دارد که حضرت علی (ع) این چشمه را به نام «ابی‌نیزر» که از بردگان آزاد شده ایشان است، نامیدند [۴]. خود ابی‌نیزر ماجرای احیای این چشمه را چنین گزارش کرده‌است:

من در دو زمین زراعی امام علی بن ابی‌طالب به نام «عین ابی‌نیزر» و «بَغِیغَه» مشغول کار بودم که امام (ع) به آنجا آمدند و به من فرمودند: آیا غذایی داری؟ گفتم: غذایی است که برای امیرمؤمنان نمی‌پسندم؛ کدویی است که از همین‌جا کنده و با روغن پیه نامطبوعی سرخ کرده‌ام. فرمودند: همان را بیاور. سپس حضرت برخاستند، بر لب جوی رفتند، دست خود را شستند و اندکی از آن غذا میل کردند و باز بر لب جوی رفتند و دست‌های خود را با خاک و شن کاملاً تمیز شستند. آنگاه دست‌ها را مشت کردند و مثنی آب از همان جوی نوشیدند و فرمودند: ای ابانیزر، کف

هرگز گوشت‌ها و خون‌های آنها به خداوند نخواهد رسید، بلکه از جانب شما تقوا (درونی و عملی) به او می‌رسد. تعبیر دیگری که در قرآن آمده بقای این اموال نزد خداوند است: **مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ**. (نحل/۹۶)

آنچه در نزد شما است تمام و فانی می‌شود و آنچه در نزد خداست پایدار و باقی است.

یعنی نتیجه هزینه کردن اموال تقوای نفسانی و تقرب شما به خدا است.

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلاً (کهف/۴۶)

دارایی و پسران زیور زندگی دنیایند و کارهای ماندگار شایسته در نزد پروردگارت در پاداش و امید (به آینده) بهتر است. بنابراین مطابق آیه شریفه می‌توان مال دنیا و فرزندان که در دنیا زینت هستند را ماندگار ساخت. برای ماندگار ساختن، مصرف همراه نیت الهی لازم است. در این آیات، قرآن کریم راه تقرب به خداوند از مسیر مال دنیا را در بخشش و هزینه کردن در راه خدا، ایثار، و رساندن آن به بندگان خداوند معرفی می‌کند.

در آیه دیگر به صراحت تنها راه رسیدن به نیکویی را انفاق آنچه مورد علاقه و وابسته‌آدمیان است دانسته و بس:

كُنْ تَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ. (آل عمران/۹۲)

هرگز به نیکی دست نخواهید یافت مگر از آنچه دوست دارید (به دیگران) ببخشید و هر چیزی ببخشید بی‌گمان خداوند آن را می‌داند.

نکته جالبی که در تمام آیات بدان اشاره دارد این است که تمام انفاق‌ها و هزینه‌هایی که برای خدا و به اصطلاح فقهی «به قصد قربت» انجام می‌شود، مستقیماً به دست خدا می‌رسد؛ تحویل گیرنده‌اش خدا است و عند الله و در علم الله ماندنی است. تا آنجاکه در یک آیه ماهیت مسأله را قرض‌الحسنه معرفی نموده که دهنده-اش بندگان و گیرنده‌اش خداوند است که از سوی او به چندین برابر بازگردانده می‌شود:

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضَاعِفَهُ لَهُ أَضْعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ. (بقره/۲۴۵)

اسرار شریعت پرداخته است. ایشان درباره راز و سرزکات به نکته-ای اشاره می‌کنند که در تمام صدقات و امور خیریه جاری است. وی بیان می‌کند: «توجب صرف النفس عن التوجه الى الامور الدنيئة؛ ففيها تحصيل ملكة التنزه عن غير الله» [۶]. یعنی اقدام بر انجام صدقات موجب می‌شود که نفس آدمی از امور پست و بی‌ارزش دنیوی منصرف گردد تا جائی برسد که از غیر خدا منزه و پاک شود. تنزه از ما سوی الله مقام بسیار بالایی در سلسله مراتب تربیتی و معرفتی است.

به قول حافظ:

خلاص حافظ از آن زلف تابدار مباد

که بندگان کمند تو رستگارانند

و اما راز دوم که همان توزیع ثروت و عدالت ترمیمی است: «وایضاً منافع الدنيا مشتركة محصورة، وحبسها على بعض الناس قبيح عقلاً، وكل ما كان احتياج الخلق اليه اكثر، وجب ان يكون الشركه فيه بينهم والتوزيع له عليهم احق» [۶] به این معنا که: و نیز منافع دنیا مشترک و محصور است. بنابراین منحصر کردن آن منافع به بعضی از مردم از نظر عقلی و منطقی قبیح است. بنابراین آنچه مورد نیاز بیشتر خلق خدا است، بایستی مردم در آنها مشترک باشند و سزاوار است که بر آنان توزیع گردد.

در بیان فوق رمز و راز دوم خیرات و صدقات را ملاصدرا با ذکر مقدمات زیر ارائه داده است:

الف) منابع جهان محدود است و نامتناهی نمی‌باشد.
ب) منافع و بهره‌های حاصل از منابع جهان میان همه انسان‌ها مشترک است.

ج) انحصار منافع جهان به بعضی افراد (که موجب محروم شدن بعضی دیگر می‌شود) از نظر عقلی امری قبیح و زشت است.
نتیجه آنکه بایستی اموال مستخرج از منابع الهی از طرق صدقات بین انسان‌ها توزیع گردد.

این حکیم، محدث و مفسر شیعی قرن یازدهم با استفاده از آیات و روایات و نظریه پردازی‌های عقلی خویش به دو سرّ و راز بسیار مهم اشاره کرده است. سرّ معنوی و سرّ مادی. سخن ما در این مقاله درخصوص راز و سر نخستین است که قرآن مجید مکرراً به این نکته اشاره فرموده است.

در مورد قربانی کردن و تأمین آذوقه مردم فرموده است:

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَاؤها وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَى مِنْكُمْ (حج/۳۷)

مغول به گواهی اسناد تاریخی موقوفات زیادی برای بقعه شیخ صفی‌الدین اردبیلی (نیای پادشاهان صفوی) و خانقاه او در اردبیل وجود دارد.

احمد کسروی در سال ۱۳۲۳ می‌نویسد «در کتابخانه سلطنتی کتابی هست به نام «صریح الملک»، دیه‌هایی که به بارگاه شیخ صفی در اردبیل وقف شده، قباله‌ها و وقف‌نامه‌های آنها در این کتاب گردآوری شده است» [۷].

مرحوم استاد محمد تقی دانش‌پژوه در مقاله «فهرست نسخه‌های خطی موزه ایران باستان» چهار نسخه خطی از «صریح الملک» بقعه شیخ صفی که در این موزه نگهداری می‌شود را معرفی می‌کند و در تعریف اصطلاح صریح الملک می‌نویسد: «مجموعه وقف‌نامه‌های رقبات موقوفات و اسناد املاکی است که برای آستانه شیخ صفی‌الدین خریداری شده و هم باید به‌خط گردآورندگان باشد» [۸]. وی همچنین در مقاله «فروش‌نامه روستای الاروق اردبیل» بعد از اشاره به چهار نسخه مزبور می‌افزاید: «در صریح الملک متن وقف‌نامه و سندهای دیگر مربوط به این آستانه دیده می‌شود و چنین دفتری را از دیرباز صریح الملک می‌خواندند» [۹].

در زمان ما دو جلد از چهار جلد «صریح الملک» چاپ و منتشر شده؛ یکی که مؤلف آن «زین‌الدین عبدی بیگ شیرازی است توسط محمود سعید هدایتی ویرایش و توسط انتشارات سازمان اوقاف و امور خیریه (اسوه) به چاپ رسیده است (۱۳۹۰ ش). در این کتاب فهرست بسیاری از املاکی که برای وقف بقعه صفی‌الدین در سده یازدهم خریداری و وقف شده آورده شده است. دومی که مؤلف آن محمد طاهر اصفهانی است و متمرکز بر املاک و رقباتی است که در زمان تولیت شیخ شریف بیگ زاهدی در قرن یازدهم هجری وقف شده یا از درآمد موقوفات و نذورات برای آستانه شیخ صفی خریداری شده است. این کتاب توسط آقایان عمادالدین شیخ الحکامی و علی رضا جلالی ویرایش و تحقیق و توسط انتشارات بنیاد موقوفات افشار در همین روزهای اخیر (اسفند ماه ۱۴۰۳) برای نخستین بار منتشر شده است. متون وقف‌نامه‌های موجود در این آثار همه بیانگر وجود این شرط یعنی قصد قربت و نیت خیر و وجه الله بودن آنهاست.

مطالعه این آثار نشان می‌دهد که در کشور ما نهاد وقف چه تأثیری در پیشرفت تمدن اسلامی و دانش و فرهنگ داشته و مردم فرهنگ‌دوست چگونه برای توسعه آن از اموال خویش تقدیم می‌داشته‌اند، آن هم به قصد قربت و تقرب الی الله. براساس منابع

کیست که به خداوند وامی نیکو دهد تا خداوند آن را برای وی چندین برابر گرداند؟ و خداوند (روزی را) تنگ و فراخ می‌سازد و به‌سوی او بازگردانده می‌شوید.

و در آیه‌ای دیگر بیان شده است:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَى كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَى شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ (۲۶۴) وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ وَتَثْبِيتًا مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَنَّةٍ بَرْبُوهَ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَاتَتْ أَكْطُهَا ضِعْفَيْنِ فَإِنْ لَمْ يُصْبِحْهَا وَابِلٌ فَطُلٌّ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ (بقره/۲۶۵)

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، صدقه‌های خود را با منت آزدن باطل نکنید، مانند کسی که مالش را به ریا و خودنمایی به مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز واپسین ایمان ندارد، که مثل او مثل سنگ سخت و صافی است که خاکی (اندک) بر آن نشسته، پس باران تند و درشتی به آن برسد و آن را سنگی صاف (و بدون خاک و گیاه) واگذارد. (صدقه او نظیر آن خاک است. و ریاکاران) به چیزی از آنچه کسب کرده‌اند دست نمی‌یابند، و خداوند مردم کافر را هدایت نمی‌کند.

در آیات فوق، تمایز اصلی میان خیرات و صدقات عام از وقف و سایر انواع انفاق با آنچه در جوامع غیردینی تحت عنوان مؤسسات و بنیادهای خیریه صورت می‌گیرد، بیان شده است. در ساختار خیریه‌ها و صدقات برگرفته از آموزه‌های قرآنی، نیت و قصد فرد اقدام‌کننده نقش محوری دارد و همین امر، این اقدامات را از نمونه‌های مشابه در جوامع غیردینی ممتاز می‌سازد. در جهان امروز مؤسسات خیریه بسیار است و شاید از نظر آمار، مبالغی که در این مؤسسات هزینه می‌شود بیش از صدقات و خیرات اسلامی باشد ولی نهاد قصد قربت که تأثیرش در بعد نفسانی و روحی دهندگان و خیرین می‌باشد، در آنها وجود ندارد.

بیان ملاصدرا، حکیم، محدث و مفسر قرآنی دوره صفوی متوفی به ۱۰۵۰ ق چنین نشان می‌دهد که سنت وقف که توسط پیشوایان ما از همان روزهای اولیه بنا نهاده شده، در دوران حکومت صفوی توسط فقیهان، و محدثان با استناد به منابع دینی تحلیل، تفصیل و تفریع شده و توسط حکیم بزرگ و سترک آن دوره توجیه عقلانی و عرفانی شده است. البته قبل از دوره صفوی در زمان ایلخانان

توانستند در هر سطحی از قدرت که بودند، از نفوذ و امکانات خود در جهت گسترش دانش، علم و فرهنگ بهره بگیرند. «جرجی زیدان»، در کتاب «تاریخ تمدن اسلام» می‌نویسد: «خواجه نظام‌الملک نخستین کسی بود که در اواسط قرن پنجم هجری به‌واسطه تأسیس مدارس در ممالک اسلامی شهرت یافت و در شهرهایی چون بغداد، اصفهان، نیشابور، هرات و دیگر مناطق، مدارس متعددی ساخت. تمامی این مدارس، به‌ویژه مدرسه بغداد، به نام وی مدرسه نظامیه خوانده می‌شدند. برای تأمین هزینه‌های این مدارس، بازارها، کاروانسراها، گرمابه‌ها و دهایی در اطراف دور و نزدیک خریداری و وقف مدرسه می‌شد که مجموع هزینه آنها به شش صد هزار دینار می‌رسید» [۱۰]. نظام‌الملک برای کلیه طلاب علوم و غیرآنان مقرری و انعام تعیین کرده بود و از شام و دیار بکر و عراق عجم و عراق عرب و خراسان تا سمرقند عده زیادی از خوان این وزیر با تدبیر نیکوکار (ایرانی) بهره‌مند می‌گشتند [۱۱]. در نظامیه بغداد بزرگانی از علم و ادب تحصیل کردند که سرآمد زمان خویش شدند. ابن ابی الحدید شارح نهج‌البلاغه و سعدی شیرازی از آن جمله هستند. هزینه اساتید مدرسه نظامیه بغداد و نیز کمک‌هزینه‌های طلاب از محل وقف پرداخت می‌شده است. سعدی می‌گوید:

مرا در نظامیه ادرار بود شب و روز تلقین و تکرار بود
منظور مقرری ماهیانه است که از محل همین موقوفات تأمین می‌شده است. تأسیس مدرسه نظامیه توسط سلجوقیان در قرن ششم هجری صورت گرفت. نظامیه بغداد در ساحل دجله و در میانه بازاری پررفت‌وآمد به نام «سوق الثلاثاء» بنا شد. علت انتخاب این مکان که یکی از مراکز مهم تجاری بود، آن بود که خواجه نظام‌الملک در نظر داشت برای تأمین هزینه‌های جاری مدرسه، منبعی مطمئن و پایدار فراهم کند. از این‌رو، با افزودن بخشی جدید به آن بازار و ایجاد دکان‌ها، کاروانسراها، تیمچه‌ها و مراکز تجاری و خدماتی، درآمد حاصل از آنها را وقف مدرسه نمود. با این اقدام هوشمندانه استقلال مالی مدارس را تضمین کرد [۱۲]. ابن جبیر، در سال ۵۸۰ ق، در ادامه سفر خود به بغداد رسید و از مدرسه نظامیه این شهر بازدید کرد. او در مجالس درس برخی استادان این مدرسه، از جمله امام رضی‌الدین قزوینی، شرکت نمود، وی بر این

تاریخی، سفرنامه‌ها و اسناد دوره صفویه می‌توان استنباط کرد که پربرترین دوره وقف پس از اسلام، در همین دوره رقم خورده و موقوفات توسعه خوبی یافته‌اند. حتی پادشاهان صفویه نیز املاک خود را وقف می‌کردند. موارد زیادی از این دست در اردبیل، مشهد و قم مشاهده می‌شود. در زمان شاه عباس اول بیش از هر زمان دیگری به املاک موقوفه اضافه شد. در سال ۱۰۱۵ ق شاه عباس تصمیم گرفت که تمام املاک و رقبات به‌دست آورده خویش را که قیمت آنها بیش از یکصد هزار تومان شاهی بود، به‌علاوه ساختمان‌های گوناگون در اصفهان و اطراف آن را وقف ۱۴ معصوم کند و خودش سرپرستی آنها را برعهده بگیرد و پس از خود، سرپرستی را به حاکم زمان اختصاص دهد. این وقف‌نامه‌ها توسط شیخ بهاء‌الدین محمد عاملی (شیخ بهایی) تنظیم شد تا درآمدهای حاصل از آنها براساس شرایط و نیازهای هر دوره مصرف گردد. به‌طور کلی، سنت وقف از قرن چهارم تا هفتم هجری از رونق چشمگیری برخوردار بود، چنان‌که در قرن ششم، به‌دلیل استقبال گسترده مردم از این سنت نیکو، موقوفات در زمینه‌هایی چون تأسیس مدارس، بیمارستان‌ها، کتابخانه‌ها و دیگر مصارف عمومی به‌طور قابل توجهی گسترش یافت. همین گسترش، لزوم رعایت دقیق ضوابط شرعی را ایجاب می‌کرد و موجب شد که اداره امور موقوفات به علمای دین و دانشمندان واگذار شود تا عواید حاصل از آنها دقیقاً مطابق با نیات واقفان مصرف گردد؛ امری که تحولی مهم در تاریخ وقف به‌شمار می‌رود.

وقف علمی در قرون اولیه

شواهد تاریخی چنین نشان می‌دهد که یکی از مؤثرترین عوامل توسعه و پیشرفت تمدن اسلامی، وقف علمی و فرهنگی بوده و همچنان می‌باشد. وقف علمی در قالب شناخته‌شده و رایج خود، در زمینه‌های متعددی نمود می‌یابد؛ از جمله تأسیس مدارس، پرداخت کمک‌هزینه تحصیلی به دانش‌آموزان و طلاب، تهیه وسایل تحصیلی، وقف کتاب و کتابخانه، و همچنین انتشار کتاب با استفاده از درآمد موقوفات. نکته قابل‌تأمل در موضوع وقف علمی، از دیدگاه نگارنده، آن است که هر چند واقفین علمی و فرهنگی در میان شهروندان عادی و متمکنین مالی در اعصار اخیر کم نبوده‌اند، اما نمی‌توان نقش برخی از صاحبان قدرت در گذشته را نادیده گرفت؛ کسانی که به‌دلیل روحیه فرهنگ‌دوستانه‌شان،

و فضل او بهره می‌گرفت و چندی به‌عنوان معید او را در تدریس در نظامیه نیشابور یاری می‌داد [۱۸، ۱۹].

وقف ربع رشیدی در دوره سلجوقیان

ربع رشیدی مجموعه‌ای است فرهنگی، آموزشی، مسکونی که در سده ۸ ق به‌دستور خواجه رشیدالدین فضل‌الله در نزدیکی تبریز تأسیس شد و تجربه‌ای بود در شهرسازی و معماری و دستاورد دانش در دوره ایلخانیان است و حتی برخی از محققان از الگوی مجتمع ربع رشیدی با عنوان «آرمان شهری واقعی» یاد می‌کنند [۲۰].

خواجه رشیدالدین انگیزه خود از احداث مجتمع ربع رشیدی را جاری کردن باقیات صالحات و «بقای جاودانی» می‌خواند [۲۱].

تعبیر باقیات الصالحات از قرآن مجید گرفته شده:

وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ أَمْلاً (کهف/۴۶)

و کارهای ماندگار شایسته در نزد پروردگارت در پاداش و امید (به آینده) بهتر است.

تعبیر جاری ساختن از احادیث متعددی گرفته شده که در آنها «صدقه جاریه» تعبیر شده است [۲۲]. از جمله حدیث زیر:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ: صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ، أَوْ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ.

پیامبر اکرم (ص) فرمود: هرگاه انسان بمیرد، عملش هم قطع می‌شود، مگر از سه راه: صدقه جاریه، یا علمی که از آن سود می‌برند، یا فرزند شایسته‌ای که برای او دعا می‌کند [۲۳].

درمتون فقها «صدقه جاریه» به وقف تفسیر شده است [۲۴، ۲۵].

خواجه رشیدالدین ظاهراً واژه جاری ساختن را با اشاره به همین تعبیر وارده در این احادیث آورده است. وی در کتاب لطایف الحقایق می‌نویسد که همیشه در پی آن بوده محلی فراخ برای گردهمایی دانشمندان به‌منظور توسعه علوم گوناگون برپا کند. و با وقف و تدوین وقفنامه این مجموعه امکان هر گونه تغییر در اساس موقوفه را از بین ببرد [۲۶].

نگاهی به تاریخ وقف برای مراکز علمی در تمدن اسلامی و مقایسه آن با آنچه در تمدن غربی رخ داده نشان می‌دهد که در تمدن اسلامی بیش از چند قرن سبقت دارد. اوقافی که برای به اصطلاح «جامع» ثبت شده و در آن به تحصیل دانش پرداخته می‌شده، قرن‌ها قدم از مراکز علمی مغرب زمین است.

سخن صحنه می‌نهد. به‌گفته‌ی وی در آن روزگار سی مدرسه در بغداد مشغول فعالیت علمی و آموزشی بودند که هر یک ساختمانی عظیم همچون کاخی بدیع داشتند که در میان آنها ساختمان نظامیه از همه بزرگتر و با شکوه‌تر بود و هزینه آن از محل موقوفات بزرگ و مکان‌های تجاری وابسته بدان تأمین می‌شد و این درآمدها چنان بود که پس از پرداخت حقوق استادان و شهریه دانشجویان و هزینه‌های جاری مربوطه بدان، مبلغ قابل‌توجهی نیز باقی می‌ماند و به‌عنوان پس‌انداز نگهداری و بخشی از آن نیز به‌صورت کمک به دانشجویان بی‌بضاعت و کم‌توان پرداخت می‌شد [۱۳].

اساتید نظامیه به سه دسته تقسیم می‌شدند، مدرسان، معیدان و واعظان که هر یک از آنان جانشینانی نیز داشتند تا هنگام ضرورت به‌جای فرد اصلی اقدام به تدریس و از بروز هرگونه وقفه در کار آموزشی پیشگیری کنند. شادروان سعید نفیسی با اشاره به این سه دسته از استادان نظامیه، این سبک از اداره این مرکز آموزشی را با روش‌های نوین آموزشی در غرب برابر دانسته است [۱۴].

خواجه نظام‌الملک با تأسیس نظامیه نیشابور سعی کرد دانشمندانی که در اثر مشکلات اجتماعی مهاجرت کرده اند به وطن بازگرداند. از جمله آنان امام‌الحرمین جوینی (۴۱۹-۴۷۸ ق) است که در اثر بی‌مهری‌های وارده به او به عربستان مهاجرت و در حریم شریفین مکه و مدینه چهار سال تدریس کرده و از این جهت به امام‌الحرمین شهرت یافته بود. با تأسیس مدرسه نظامیه نیشابور از وی دعوت کرد به دیار خود بازگردد و وی این دعوت را پذیرفت و در نظامیه به تدریس پرداخت. جوینی از آن پس تا پایان عمر نزدیک به ۳۰ سال بدون مزاحمت و بی‌آنکه رقیب توانایی درمیان باشد، یگانه‌ی سرزمین خود در امامت، خطابه و تدریس، و دارای نفوذ اجتماعی کم‌نظیر بود. وی در این سال‌ها موردتوجه خاص خواجه نظام‌الملک، وزیر سلجوقی بود [۱۷-۱۵]. در همین دوره است که آثار وی یکی پس از دیگری به خوانندگان عرضه شد و جمعی از بزرگان در مجلس او دانش آموختند. شمار این شاگردان را حدود ۳۰۰ یا ۴۰۰ تن گفته‌اند. یکی از دانش آموختگان این مقطع امام محمد غزالی است. وی از سال ۴۷۰ تا زمان درگذشت آن استاد برجسته (۴۷۸ ق) همواره همراه و همدم او بود و یکسره از دانش

موقوفات علمی در دوره قاجار

دردوره قاجار در تهران و اصفهان و بسیاری از بلاد ایران موقوفاتی توسط مقامات حکومتی و یا افراد متمول غیرحکومتی که همه برای توسعه علم و فرهنگ بوده است. برای نمونه:

۱. مدرسه سپهسالار قدیم تهران

مدرسه‌ی سپهسالار قدیم که پس از ساخته شدن مدرسه‌ی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سپهسالار که آن بنا نیز به مدرسه‌ی سپهسالار مشهور شد، به مدرسه‌ی سپهسالار قدیم شهرت یافت و اکنون نام شهید بهشتی بر آن نهاده شده است. این بنا در سمت شرقی مدرسه‌ی خان مروی، در انتهای کوچه‌ی مروی و در خیابان ناصر خسرو تهران که جزوی از محله‌ی عودلاجان بوده است، قرار دارد. این بنا شامل یک مدرسه و دو مسجد تابستانی و زمستانی است و با در برداشتن نقشه‌ی خاص، ستون‌های سنگی بلند و سردر و دو مناره‌ی کاشی‌کاری‌شده، از بناهای قابل‌توجه در عرصه‌ی معماری دوره‌ی قاجار شمرده می‌شود. البته اصل وقف‌نامه آن اکنون موجود نیست؛ اما رونوشتی از آن به تاریخ ۱۳۰۷ ق در کتابخانه‌ی موزه‌ی ملی ایران نگهداری می‌شود. اندازه‌ی این سند ۴۰٫۷ در ۳۶٫۴ سانتی‌متر است. متن آن به‌خط نستعلیق و بر پارچه نوشته شده است. رونوشت دیگری از این سند در بایگانی مرکزی سازمان اوقاف و امورخیریه به‌شماره‌ی پرونده‌ی ۳۱ تهران وجود دارد. واقف این بنا، میرزا محمدخان سپهسالار قاجار دولو، (در گذشته‌ی ۱۲۸۴ ق) فرزند امیرخان سردار و پسر دایی عباس میرزا، نایب‌السلطنه بود. وی مدتی وزیر جنگ، صدر اعظم ایران، و پس از آن تا پایان عمر والی خراسان و نایب‌التولیه‌ی آستان قدس رضوی بود.

درمورد شرایط مدرس مدرسه در متن وقف‌نامه چنین آمده است: «جناب جلالت مآب فخامت نصاب واقف -زید اجلاله- حسب‌الشرط، تدریس مدرسه‌ی مذکوره را نوعاً به عالمی مفوض فرموده‌اند که در علوم عقلیه‌ی الهیه و طبیعیه ماهر و در علوم نقلیه، از فقه و تفسیر و حدیث ناظر باشد.» مرحوم آقا علی مدرس زنوزی (۱۲۳۴ق) از نخستین مدرسان این مدرسه می‌باشد که واجد شرایط فوق شناخته شد. وی از مشهورترین حکمای سده سیزده هجری و از حکمای اربعه مکتب فلسفی تهران در دوره قاجار است. زمانی که آقا علی در تهران مشغول به تدریس بود، سه بزرگ دیگر یعنی آقامحمدرضا قمشه‌ای، میرزا ابوالحسن جلوه و میرزا حسین

سبزواری نیز در تهران به تدریس می‌پرداختند. از این رو به این چهار مدرس بزرگ تهران، «حکمای اربعه» می‌گفتند. البته این چهار حکیم هر کدام در حوزه خاص متبحر بودند. آقامحمدرضا قمشه‌ای بیش‌تر عرفان نظری تدریس می‌کرد و میرزای جلوه به فلسفه مشاء علاقه‌مند بود. میرزا حسین سبزواری بیش‌تر به ریاضیات مشغول بود و آقا علی مدرس به حکمت متعالیه مشهور بود. این اساتید هر کدام در زمینه خاص خود شاگردانی داشتند. بعضی از این اساتید شاگردان مشترک داشته‌اند [۲۷]. به دلیل استفاده آقا علی از روش استدلالی خاص و مهارت فوق‌العاده‌اش در تدریس کلام و فلسفه و حکمت و ریاضیات به مدرس و استاد الاساتید مشهور شده‌است و به‌علت داشتن مکارم اخلاقی و معنوی با عنوان حکیم الهی نیز نامیده می‌شده‌است [۲۸].

مهدی حائری یزدی آقا علی راه، به‌سبب داشتن قریحه نقادی و ابتکار در عرضه راه‌حل‌های جدید برای مشکلات فلسفی، از ملاحدهای سبزواری برتر دانسته و علت کمتر بودن شهرت آقا علی را نقادی او و پیروی صرف نکردن از ملاصدرا ارزیابی کرده است [۲۹]. در این مدرسه بدیع‌الملک میرزا پسر امام‌قلی (منوچهر میرزا) عمادالدوله پسر محمدعلی میرزا ملقب به دولت‌شاه پسر فتحعلی‌شاه قاجار که دستی در فلسفه مغرب زمین و فلسفه اسلامی داشته به‌حضور آقا علی مدرس زنوزی می‌رسد و هفت سؤال فلسفی و کلامی مطرح می‌سازد و ایشان همه را دقیق پاسخ می‌گوید که مجموعه آن کتاب «بدایع الحکم» است که هم‌اکنون یکی از منابع غنی فلسفه به فارسی برای طلاب و پژوهشگران می‌باشد. بدیع‌الملک کتاب المشاعر ملاصدرا را به فارسی روان ترجمه کرده و با مقدمه و تعلیقات پروفیسور کربن چاپ شده است. پروفیسور کربن در مقدمه این شاهزاده را «افتخار طبقه اشراف ایرانی قرن گذشته» می‌داند [۳۰]. در همین مدرسه کنت گوینو سفیر کبیر فرانسه در ایران به ملاقات ایشان می‌آید. کنت دوگوینو به‌علت تسلط وی بر آرای فلاسفه، از او برای تدریس در دانشگاه سوربن فرانسه دعوت می‌کند. آقا علی ابتدا از پذیرش این دعوت خودداری کرد، اما بعد از آن به این دعوت پاسخ مثبت داد. بعضی از شاگردان آقا علی مانند شیخ عبدالنبی نوری وقتی این خبر را شنیدند، برای انصراف استاد از این تصمیم به تکاپو افتادند و بالاخره موفق شدند او را از این تصمیم باز دارند [۲۷]. اگر این سفر محقق می‌شد، چه‌بسا آنان زودتر با دستاوردهای فلاسفه اسلامی خصوصاً فلاسفه حکمت متعالیه، آشنا می‌شدند و بارها این ادعا را تکرار نمی‌کردند

تمام محوطه‌ی بنا را خاکبرداری و سپس پی‌ریزی کرد و آنگاه بنای عمارت آغاز شد. طراح این بنا و همچنین مجلس شورای ملی و عمارت بهارستان مهندس میرزا مهدی خان شقاقی (ممتحن الدوله) بود. سپهسالار که تا سال ۱۲۹۷ در تهران حضور داشت خود بر کارها نظارت کرد ولی از وقتی که عزل گردید کار احداث این بنا از نظارت مستقیم وی خارج شد ولی کارها ادامه پیدا کرد. سپهسالار وقفنامه مفصلی جهت حفظ مجموعه احداثی خود نوشت. وی برای مرمت و ادامه کار مسجد، موقوفات زیادی گذاشت. درباره ساخت مدرسه نوشته‌اند:

«حاجی میرزا حسین‌خان مشیرالدوله سپهسالار اعظم فرزند میرزا نبی‌خان امیر دیوان، مدرسه و مسجد مشهور به سپهسالار را در ۱۲۹۶ هـ ق شروع به بنا نمود. در شوال ۱۲۹۷ وقفنامه را مسوده کرده و در منزل شخصی ایشان در حضور حاج آقا محمد نجم‌آبادی اجرای صیغه شده و در ۱۲۹۹ بعد از فوت سپهسالار وقفنامه مسجل و به امضای علمای محضر مذکور و دیگران رسیده که مدلول وقفنامه هم حاکی است. در ۱۲۹۷ که سپهسالار از امور لشکری و کشوری و وزارت خارجه برکنار گردید و به حکومت قزوین مأمور شده، در این موقع هم مشغول ساختمان مدرسه بوده و در اوایل ۱۲۹۸ مجدداً به تهران آمده و بنای مقدماتی و بعضی از قسمت‌های مدرسه را بالا برده که مأمور خراسان و والی آنجا و نایب‌التولیه گردیده در ۲۱ ذیحجه ۱۲۹۸ در سن ۵۷ سالگی در خراسان درگذشت. بعد از سپهسالار یحیی‌خان مشیرالدوله برادر ارشد او با اهتمام مخصوص دولت وقت در امر تکمیل بنا مبادرت کرده قسمت‌های عمده آن را تا ۱۳۰۲ و بقیه را تا زمان وفات خود در ۱۳۰۹ انجام می‌دهد» [۳۳]. در این مدرسه اساتید بزرگی از عالمان معقول و منقول نظیر مرحوم سید حسن مدرس اصفهانی، میرزا طاهر تنکابنی، ابوالحسن شعرانی، سید کاظم عصار، و حسینعلی راشد تدریس کرده‌اند و امروز این مدرسه به نام استاد شهید مرتضی مطهری نامیده شده و اساتیدی تدریس می‌کنند. نگارنده حدود چهل سال است که در هفته توفیق تدریس دو درس فلسفه اسلامی و فقه تحلیلی را دارد.

۳. مسجد و مدرسه سید اصفهان

مسجد و مدرسه سید یکی از مساجد مهم و مشهور اصفهان است که در طی دوران قاجاریه ساخته شد و از مساجد اصلی این شهر به‌شمار می‌رود که به نوعی جامع یعنی دارای حجرات مدرسه

که «فلسفه اسلامی با ابن رشد خاتمه پیدا کرد و دستاورد فلاسفه اسلامی، همان فلسفه یونانی است». از این طرف نیز در اثر ارتباط مستقیمی که آقا علی حکیم با فلسفه غرب پیدا می‌کرد، ایرانیان را بیش‌تر با فلسفه غرب آشنا می‌کرد و نقد و بررسی این فلسفه زودتر از اکنون به‌وسیله‌ی بزرگان انجام می‌شد [۳۱]. گوینو از ایشان ضمناً درخواست کرد که شرح‌حالی از حکمای اسلامی را برای درج در کتاب خودش که در دست تألیف داشته بنویسند؛ ایشان پذیرفته و نوشته‌اند. نگارنده در سفری که به استراسبورگ داشت در کتابخانه دانشگاه متن دست‌خط ایشان را یافته و یک تصویر از آن برداشته و در کتاب «نخبگان علم و عمل ایران» آورده است [۳۲]. در سنوات بعد پس از اقالی زوزی تا آنجا که نگارنده مطلع است حضرات آقایان میرزا مهدی اشتیانی و مهدی حایری یزدی واجد شرایط وقفنامه تشخیص و در آن مدرسه سمت تدریس داشته‌اند.

۲. مدرسه سپهسالار جدید تهران

در کنار مجلس شورای ملی سابق، در میدان بهارستان مدرسه باشکوهی سر برافراشته که زیبایی آن زبانزد همه تهرانیان است. مدرسه و مسجد سپهسالار یا ناصری با نام جدید مدرسه عالی شهید مطهری. در حقیقت می‌توان این دو را نماد وحدت علم و سیاست در کنار یکدیگر دانست. مؤسس این مدرسه، میرزا حسین خان سپهسالار (صدر اعظم دوره ناصری) است. مسجد و مدرسه سپهسالار (شهید مطهری) نخستین و بزرگ‌ترین مسجد و مدرسه عالی در تهران است که از نزدیک‌ترین تلفیق‌ها میان معماری ایرانی و معماری مساجد استانبول است. مسجد سپهسالار گنبد ویژه‌ای دارد؛ تعداد مناره‌های بیش‌از اندازه متداول آن که حدود ۱۰ مناره است و گنبد دو گوش خوابیده‌اش نشان از سبک معماری مساجد ترکیه دارد. کارشناسان معماری معتقدند که این بنا با بهره‌گیری از کاشی‌کاری‌ها و مجموعه هنرهای معماری دوره قاجار طراحی و ساخته شده است. بانیان این بنای بزرگ و نیز سازندگان ساختمان مجلس شورای ملی، «حاج میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی»، صدر اعظم دوره ناصرالدین شاه قاجار و برادرش «مشیرالدوله» بودند که ساخت این بنا در دو سال پایانی عمر میرزا حسین خان سپهسالار آغاز شد و هزینه آن نیز از محل عواید شخصی وی تأمین می‌شد. ولی تکمیل مجموعه پس از مرگ وی توسط برادرش یحیی‌خان مشیرالدوله صورت گرفت. در سال ۱۲۹۶ احداث این مجموعه شروع شد. وی جهت محکم ساختن بنا حدود ۱۷ متر از

صدر آمد، تشکیل می‌شود که مرحوم دکتر سید جعفر شهیدی به‌عنوان اولین رئیس شورای تولید اداره بنیاد را برعهده می‌گیرد و پس از ایشان به پیشنهاد استاد ایرج افشار (سرپرست عالی موقوفات)، سید مصطفی محقق‌داماد از دهه هفتاد شمسی تاکنون ریاست شورای مذکور را عهده‌دار است. شورای تولید از میان خود یا از غیر، پنج نفر را به‌عنوان هیئت مدیره برای مدت سه سال انتخاب و معین می‌نماید (رئیس، نایب رئیس، مدیرعامل، خزانه‌دار و دبیر) که بنیاد موقوفات را اداره می‌کنند. واقف برای اهداف والای فرهنگی خود تأسیس مراکزی را پیش‌بینی کرده است از جمله: ایجاد کتابخانه و قرائت‌خانه، نشر مجله آینده (که واقف به دفعات علاقه وافر خود را به انتشار این مجله ابراز داشته است). فرهنگستان زبان فارسی که براساس قراردادی در ۱۳۸۰ شمسی با دانشگاه تهران برای استقرار لغت‌نامه علامه علی‌اکبر دهخدا و مرکز بین‌المللی آموزش زبان فارسی برای دانشجویان و علاقه‌مندان دیگر کشورها به یادگیری زبان فارسی ایجاد شده است. نشر کتاب در زمینه‌های لغت و دستور و ادبیات فارسی، جغرافیای تاریخی و تاریخ ایران از اهداف اصلی و عمده واقف است. بنیاد (انتشارات دکتر محمود افشار) تا ۱۳۶۲ شمسی (سال درگذشت واقف) حدود ۱۵ عنوان کتاب منتشر کرد. از آن سال تا این زمان بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب در همان موضوعات منتشر شده است. انتخاب کتاب را برای چاپ، هیئتی از کتاب‌شناسان و استادان خبره برعهده دارند. طبق خواسته واقف هر سال به یک ایران‌شناس غیرایرانی یا دانشمند ایرانی جایزه ویژه «ادبی و تاریخی» اهدا می‌شود. برای عمل به نیت واقف و تأمین هزینه‌های بنیاد، از محل عواید اجاره رقبات و حساب‌های بانکی استفاده می‌گردد. واقف محل مسکونی خود را که همسرش در آن می‌زیست، تازمان حیات وی عمری برای ایشان و پس از وی ملحق به موقوفات کرده بود. پس از فوت همسر واقف محل مزبور بازسازی و به کانون زبان فارسی اختصاص داده شد. در سالن آن کانون محافل علمی و گفتگوهای ادبی و وحدت ملی برگزار می‌شود.

وقف بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی (مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی)

این بنیاد در اسفندماه ۱۳۶۲ خورشیدی توسط آقای سید کاظم موسوی بجنوردی فرزند مرحوم آیت الله میرزا حسن بجنوردی قدس سره به هدف تألیف دایرةالمعارف بزرگ اسلامی بنیان‌گذاری

می‌باشد. این بنا در سده ۱۳ هجری به دستور محمدشاه قاجار و توسط محمدباقر شفتی در مساحت ۸۰۷۵ متر مربع ساخته شد. این مسجد که بنایی نیمه‌کاره است، دارای چهار در اصلی، دو چهل‌ستون، دو شبستان بزرگ، یک گنبد، سه ایوان و بیش از ۴۵ حجره است، اما مناره ندارد و همچنین درون شبستان‌های آن نیز کاشی‌کاری نشده است. در این مسجد بیش از ۴۵ حجره در طبقه فوقانی به منظور سکونت طلاب علوم است [۳۴].

موقوفات علمی در زمان معاصر

از مهمترین موقوفات علمی در زمان ما موقوفات دکتر محمود افشار یزدی در تهران است. واقف موقوفات مرحوم دکتر محمود افشار یزدی (۱۳۶۲ - ۱۲۷۲ شمسی) می‌باشد. وی نمونه‌ای از مردان نیکنام و دولت‌جاوید یافته زمان ما بود که متجاوز از شصت سال از عمر پربرکت خود را در فعالیت‌های فرهنگی، ادبی، دانشگاهی، مطبوعاتی، سیاسی و اقتصادی گذراند و هیچ‌وقت احساس یأس و خستگی نکرد. مردی بود وطن‌پرست که به زبان و فرهنگ کشورش می‌بالید و حفظ و گسترش این فرهنگ را از اهم وظایف خود و هموطنانش می‌دانست. موقوفه‌ای است عام که هدف اساسی و منظور اصلی از بنیان نهادن آن توسط واقف، تعمیم زبان فارسی و تحکیم وحدت ملی در ایران می‌باشد. هسته نخستین این بنیاد را با وقف دائمی و ابدی بخش اعظمی از املاک و مستغلات و اندوخته‌های مالی خویش در سال ۱۳۳۷ شمسی تشکیل داد و تا سال ۱۳۴۱ جمعاً در پنج وقف‌نامه به آن افزود. سرپرستی بنیاد در زمان حیات با شخص واقف بود و بعد از وی به موجب وقف‌نامه، با شورای تولیتی است. این شورا متشکل از پنج تن از مقامات کشوری (رئیس مجلس شورا، رئیس دیوان عالی کشور، وزیر بهداشت، وزیر آموزش و پرورش و رئیس دانشگاه تهران، یا معاونان اول هر یک از این پنج مقام که به آنان متولی مقامی گفته می‌شود. دیگر اعضاء شورا را متولیان منصوب (متولیانی که صریحاً از طرف واقف تعیین شده‌اند) و متولیان منسوب تشکیل می‌دهند (جمعاً شش نفر) که با در نظر گرفتن گذر زمان و درگذشت تعدادی از آنان، براساس مواد وقف‌نامه جانشینان آنها تعیین و حداقل سالی دو بار در بنیاد برای رسیدگی به امور موقوفات، تأمین نظرهای واقف و اجرای دستور وقف‌نامه، توجه به گزارش بازرسان و سایر مطالب مرتبط تشکیل جلسه می‌دهند. با درگذشت واقف در سال ۱۳۶۲ شورای تولید به ترتیبی که در

سازه به پیشنهاد مهندس علی اکبر معین‌فر، بلوک‌های جداگانه‌ای به ابعاد ۱۱×۱۱ و ارتفاع ۱۰ متر در نظر گرفته شده که با درز انقطاع کنار هم قرار داده می‌شدند. ساختار بنا طوری است که سازه صلب، امکان تغییر شکل را در هر بلوک به هنگام زلزله فراهم کرده است، به نحوی که علی‌رغم معماری متنوع مجموعه، رفتار سازه‌ای در شرایط خطر (زلزله) منظم تلقی خواهد شد. نگارنده از همان روزهای آغازین این مؤسسه موفق به همکاری در تألیف مقالات، عضویت در شورای علمی و سرپرستی علمی برخی بخش‌ها از جمله تألیف دانشنامه حقوق ایران که جلد اول آن منتشر و جلد دوم در دست تألیف است، بوده‌ام.

چندروز قبل (۱۱ اسفند ۱۴۰۳) که جشن چهلمین سالگرد تأسیس مؤسسه در محل مرکز برگزار شد، وقف رسمی کل مجموعه توسط مؤسس بنیاد آقای سید کاظم موسوی بجنوردی اعلام گردید و در جراید رسمی کشور منتشر شد و آن را بزرگترین وقف علمی و فرهنگی در ایران دانسته‌اند.

لزوم بازنگری اجتهادی در مسائل وقف

مسائل مربوط به وقف همراه با زمان تغییر و تحول یافته، ولی هرگز از فقه و شریعت جدا نگشته، زیرا که در ذات و ماهیتش جنبه شرعی داشته است. در دوران معاصر بنیادها با شخصیت حقوقی مستقل به‌عنوان «مؤسسات غیرتجاری» فعالیت و به‌ثبت می‌رسند و توسط هیأت‌های امنا و اساسنامه مقرر، اداره می‌شوند. بسیاری از مؤسسات خیریه با همین عنوان به فعالیت خود می‌پردازند. ولی با این وجود بنیادها تا امروزه نتوانسته‌اند جای اوقاف را بگیرد و رونق وقف را بکاهد. با این همه همچنان نمی‌توان انکار کرد که مسائلی در دوران معاصر در روابط اقتصادی و نیز انواع اموال و ثروت‌ها به‌وجود آمده که در سوابق تاریخی وجود نداشته است. مردم مؤمن و متدینی که در تمدن جدید زندگی می‌کنند و با پول و بانک به‌معنای امروزی و یا سهام شرکت‌های تجاری به‌گونه‌ای سروکار دارند که جدایی و انفکاک از آنها برایشان غیرممکن است، و با همان اموال و ارزش‌ها ثروتمند می‌شوند و برای زندگی شخصی خود هزینه می‌کنند، مایلند همان ثروت‌ها را به‌گونه‌ای جاودان سازند و به‌سوی وقف روی می‌آورند. از طرفی وقف در قانون مدنی ایران و بسیاری کشورهای اسلامی آمده است. در قانون مدنی ایران از ماده ۵۵ تا ۹۱ به خود اختصاص داده ولی به‌رغم محدود و معدود بودن مواد مربوطه بخش مهمی از حقوق مدنی

شد و تا لحظه نگارش این سطور ۲۵ مجلد از آن تا آخرین مداخل حرف «ر» تألیف و انتشار یافته است. در جنب تألیف دایرةالمعارف بزرگ اسلامی آثار دیگری به‌شرح زیر در دست تألیف است:

۱. ترجمه عربی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی که تاکنون ۹ جلد آن تحت عنوان دایرةالمعارف الاسلامیة الکبری منتشر شده است.
۲. ترجمه انگلیسی دایرةالمعارف بزرگ اسلامی با همکاری مؤسسه مطالعات اسماعیلی لندن که تاکنون ۶ جلد آن توسط انتشارات بریل با نام دانشنامه اسلامیکا منتشر شده است.
۳. دانشنامه ایران در ۳۰ جلد که تاکنون ۴ جلد از آن منتشر شده است.
۴. جغرافیای جامع ایران در ۵ جلد- آماده چاپ
۵. تاریخ جامع ایران از آغاز تا پایان دوره قاجاریه در ۲۰ جلد
۶. تاریخ و فرهنگ کرد در ۶ جلد- در حال تدوین
۷. تاریخ و فرهنگ آذربایجان در ۲ جلد- در حال تدوین
۸. دانشنامه فرهنگ مردم ایران در ۸ جلد که تاکنون ۶ جلد آن منتشر شده است.

۹. دانشنامه خلیج فارس در ۸ جلد- در حال تدوین
۱۰. دانشنامه تهران بزرگ در ۸ جلد- که دو جلد اول آن که مربوط به شمیران است منتشر شده است.
۱۱. فهرست‌واره کتاب‌های فارسی- معرفی آثار مکتوب فارسی از آغاز پیدایش این زبان تا پایان عهد چاپ سنگ از ماوراءالنهر تا آسیای صغیر در ۲۲ جلد که تاکنون ۱۲ جلد آن به‌چاپ رسیده است.
۱۲. مجموعه پژوهش‌های ایران باستان که ۶ جلد آن منتشر شده است.
۱۳. شاهنامه فردوسی تصحیح دکتر جلال خالقی که در ۱۱ جلد منتشر شده است.
۱۴. حافظ (زندگی و اندیشه)، ۱۳۹۱

کتابخانه تخصصی این مرکز دارای گنجینه‌ای افزون بر بیش از یک میلیون جلد کتاب درباره ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی است. فعالیت‌های این بنیاد مستقل از بنیاد دایرةالمعارف اسلامی است. برای محل این بنیاد زمینی واقع در اراضی دارآباد تهران در نظر گرفته شد و مطالعات ژئوتکنیک بر روی آن انجام شد. طراحی و اجرای این مجموعه از سال ۱۳۶۸ آغاز و در سال ۱۳۸۳، با زیربنای ۳۶۰۰۰ متر مربع در زمینی به وسعت حدود هفت هکتار به بهره‌برداری کامل رسید. ساختمان بنا، بتنی است و از نظر طراحی

- [۳]. دائرة المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۷)، مدخل بیمارستان
- [۴]. سمهودی، نور الدین أبو الحسن (۱۳۷۴ق). "وفاء الوفاء بأخبار دار المصطفی"، چاپ اول، مدینه، المكتبة العلمیة، ج ۱، ص ۱۲۷
- [۵]. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۱ق). "اصول کافی"، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ج ۷، ص ۵۴
- [۶]. شیرازی، صدرالدین محمد بن ابراهیم (۱۲۰۲ق). "الشواهد الربوبیة فی المناهج السلوکیة"، تصحیح، تحقیق و تقدیم از سید مصطفی محقق داماد (۱۳۸۲ش)، تهران، انتشارات بنیاد حکمت صدرا، ص ۴۳۱
- [۷]. کسروی، احمد (۱۳۲۳ش). "شیخ صفی وتبارش"، تهران، چاپخانه پیمان، ص ۳۱
- [۸]. دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۴۹ش). "فهرست نسخه های خطی موزه ایران باستان"، نشریه نسخه های خطی، زیر نظر محمد تقی دانش پژوه و ایرج افشار، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ج ۲ صص ۲۱۰ - ۲۰۹
- [۹]. دانش پژوه، محمد تقی (۱۳۴۷ش). "مجله معارف اسلامی"، تهران، نشریه سازمان اوقاف، ش ۶، صص ۱۱۹-۱۰۹
- [۱۰]. جرجی زیدان (۱۳۷۲ش). "تاریخ تمدن اسلام"، ترجمه و نگارش علی جواهر الکلام، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، ج ۳ ص ۶۲۸
- [۱۱]. جرجی زیدان (۱۳۷۲ش). "تاریخ تمدن اسلام"، ترجمه و نگارش علی جواهر الکلام، تهران، موسسه انتشارات امیر کبیر، ج ۳ ص ۶۲۷
- [۱۲]. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق). "المنتظم فی تاریخ الملوک والامم"، جلد ۹، ص ۶۹ به نقل از خضری، سید احمد رضا (۱۴۰۳ش). "از جندی شاپور تا دانشگاه تهران"، چاپ دوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص ۱۲۷.
- [۱۳]. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق). "المنتظم فی تاریخ الملوک والامم"، به نقل از ابن جبیر (۱۸۵۲م). "سفرنامه"، صص ۱۹۶-۱۹۵
- [۱۴]. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ق). "المنتظم فی تاریخ الملوک والامم"، به نقل از نفیسی، سعید (۱۳۱۳ش). "مدرسه نظامیه بغداد"، انتشارات مطبوعه مهر، ص ۱۲۲
- [۱۵]. ابن عساکر، علی بن حسن (۱۴۰۴ق). "تبیین کذب المفتری"، بیروت، دار الکتب العربی، صص ۲۸-۲۸۱

ایران محسوب می شود و روزانه دعاوی بسیاری در مراکز قضائی مرتبط با وقف مطرح می گردد، ولی آن مراکز به علت رخدادهای - های بی سابقه نمی توانند خود را از نظریه پردازی فقهی بی نیاز ببینند و گرنه با توجه به ذات و ماهیت وقف خدای نکرده به بیراهه می روند. مواد آمده در قانون مدنی ترجمه شده متون اصیل فقهی است. دادرسان محترم از یکسو دستشان را تعریف وقف در ماده ۵۵ قانون مدنی «وقف عبارت است از اینکه عین مال حبس و منافع آن تسبیل شود» بسته است و ازسوی دیگر امروز اکثر ثروت های افراد جامعه را اشیائی تشکیل می دهند که صورت عین خارجی ندارند. چنانچه موقوفات بخواهند محدود به اعیان خارجی گردد دایره این سنت خیر و نیکوکاری عظیم بسیار مضیق خواهد شد. بنابراین به آسانی نمی توانند با استناد به عدم انطباق با تعریف قانونی وقف رأی به بطلان بدهند. لذا به دنبال دکتربین حقوقی جدیدی می گردند که با موازین شرعی نیز مخالف نباشد. فقیهان در سنت فقهی با انبوهی قواعد و اصول و شیوه و روش استنباط مواجه هستند که نمی توانند انفعالی و موردی برخورد کنند. در مقام پاسخ به مسائل مطروحه، چنانچه به اظهار نظری مبادرت می کنند، آن بزرگواران توجه دارند که پاسخ آن مسأله منحصر نمی گردد، لذا قواعد و اصول باید چنان رعایت شود که در بسیاری موارد دیگر هم قابل اجرا باشد. مثلاً اگر در خصوص واژه عین که در تعریف وقف به کار رفته تجدیدنظر کنند، بدون درنگ به تعریف بیع و در بسیاری موارد دیگر نیز سرایت خواهد کرد. لذا با توجه به توالی مترتبه بر آن مبادرت به صدور فتوا خواهند نمود. توسعه در مفهوم عین موجب می گردد وقف علمی و فرهنگی از طریق بلوکه کردن پول در حساب های بانکی و اختصاص سود به مصارف علمی و فرهنگی آسان گردد. زیرا یکی از مشکلاتی که در نظر خیرین وجود دارد مدیریت موقوفات می باشد، در حالی که مدیریت پول در حساب های بانکی کار بسیار آسانی است و امروز در دنیای معاصر بسیار از وقف های علمی بدین طریق صورت گرفته است. والسلام

منابع و ماخذ

- [۱]. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۳۴ش). "المیزان"، آیه ۱۹ سوره توبه، تهران، دار الکتب الاسلامیة، ج ۱۰، ص ۱۶۹
- [۲]. فرهمند، یونس (۱۳۸۶ش). "جندی شاپور (بیمارستان و مدرسه)"، دانشنامه جهان اسلام، جلد ۱۱، صص ۴۲-۳۷

- [۱۶]. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۱۲ ه. ق). "المنتظم فی تاریخ الملوک والامم"، جلد ۹، صص ۱۸-۱۹
- [۱۷]. سبکی، عبدالوهاب بن علی (۱۴۱۳)، "طبقات الشافعیة"، قاهره، دار إحياء الكتب العربیة، جلد ۵، ص ۱۷۱
- [۱۸]. سمعانی، عبدالکریم (۱۳۸۲ ه. ق). "الأنساب"، حیدر آباد، مجلس دائرة المعارف العثمانیة، جلد ۲، ص ۱۲۹
- [۱۹]. ابوالفداء، عماد الدین إسماعیل (۱۴۱۷ ق). "المختصر فی أخبار البشر"، المطبعة الحسینیة المصریة، جلد ۴، ص ۱۰۷
- [۲۰]. دایرة المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۷) به نقل از کی نژاد، محمد علی، بلائی اسکویی، آریتا (۱۳۹۱). "باز آفرینی ربع رشیدی براساس متون تاریخی"، موسسه تألیف ترجمه و نشر آثار هنری متن، ص ۱۸
- [۲۱]. دایرة المعارف بزرگ اسلامی (۱۳۸۷) به نقل از رشیدالدین، فضل الله و دیگران (۱۳۹۳). "وقف نامه"، صص ۳۷-۳۵
- [۲۲]. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۲ ه. ق). "وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه"، قم، موسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث، ج ۱۹، ص ۱۷۵-۱۷۱
- [۲۳]. پاینده، ابوالقاسم (۱۳۲۴ ه. ش). "نهج الفصاحه"، تهران، سازمان انتشارات جاویدان، حدیث ۲۳۹
- [۲۴]. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۷ ه. ق)، "الدروس الشرعیة فی فقه الامامیة"، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعة المدرسین، ج ۲، ص ۲۶۳
- [۲۵]. فاضل مقداد، مقداد بن عبد الله (۱۴۰۴ ه. ق)، "التنقیح الرائع لمختصر الشرائع"، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی (ره)، ج ۲، ص ۲۹۹
- [۲۶]. رشیدالدین، فضل الله و دیگران (۱۳۹۳ ش). "وقفنامه ربع رشیدی: الوقفیه الرشیدیة بخط الواقف فی بیان شرائط امور الوقف و المصارف"، تهران، اداره کل حج و اوقاف و امور خیریه، چاپ اول، ص ۸
- [۲۷]. کدیور، محسن (۱۳۷۸ ش). "مجموعه مصنفات حکیم موسس آقا علی مدرس طهرانی"، تهران، اطلاعات، ج ۱، ص ۴۹
- [۲۸]. مجتهدی، کریم (۱۳۸۸ ش). "آشنایی ایرانیان با فلسفه های جدید غرب"، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، فصل سیزدهم، ج ۳، ص ۲۳۷
- [۲۹]. حایری یزدی، مهدی (۱۳۸۴ ش). "کاوشهای عقل نظری"، تهران، موسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ج ۱، ص ۳۶
- [۳۰]. صدرالدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۴۲). "المشاعر"، کربن، هانری و بدیع الملک، میرزا عمادالدوله، تهران، قسمت ایران شناسی انستیتو ایران و فرانسه، ص ۵۴-۵۳
- [۳۱]. سخنرانی سید مصطفی محقق داماد، روز جهانی فلسفه (۱۴۰۲ ش). "حکمت و دیانت"، تهران انتشارات سخن، مرکز نشر علوم اسلامی
- [۳۲]. محقق داماد، سید مصطفی (۱۳۷۹ ش). "نخبگان علم و عمل ایران"، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی
- [۳۳]. تیموری، ابراهیم (۱۳۸۹ ش)، «چهارراه سرچشمه تهران» نشریه بخارا، شماره ۷۶، صص ۱۴۴-۱۴۱
- [۳۴]. معینی، محسن (۱۳۹۳ ش). "حوزه علمیه اصفهان"، دانشنامه جهان اسلام، ج ۱۴

Scientific and Cultural Endowment

Seyed Mostafa Mohaghegh Damad^{*,1}

According to Mulla Sadra's Transcendental Philosophy, a nation's scientific advancement develops gradually and fundamentally through substantial motion. He emphasizes that charitable donations and ongoing benevolent acts purify the human soul from worldly attachments, ultimately leading to detachment from all but Allah. This detachment holds a high position in the hierarchy of spiritual and intellectual development. Mulla Sadra also asserts that global resources are finite and shared among all humanity; thus, monopolizing these resources by a select few is intellectually unacceptable. Consequently, wealth derived from divine resources should be distributed among people through charitable giving. This perspective underscores the necessity of educating students and scholars to establish Iran's scientific and civilizational authority. Furthermore, Iran's historical experience demonstrates that attracting and repatriating scholars plays a crucial role in scientific development. Throughout different periods, academic centers such as Gondishapur, Nizamiyyah schools, and Rab'-e Rashidi have provided fertile ground for nurturing elites through endowments dedicated to science. As a longstanding tradition, *waqf* (endowment) requires reassessment and adaptation to contemporary needs to support scientific and technological advancements while preserving its spiritual essence.

Today, the concept of *waqf* can extend beyond physical assets to include intangible resources such as knowledge, financial shares, and investments for scientific development. This transformation, coupled with the strengthening of scientific diplomacy, will pave the way for Iran to reclaim its position in the global knowledge sphere. Notably, Islamic *waqf* fundamentally differs from other global endowment systems, as it is rooted in the donor's intention to seek divine proximity. Unlike modern charitable foundations, which primarily focus on social or economic goals, Islamic *waqf* is established with the purpose of attaining closeness to Allah, ensuring its lasting impact on both worldly and spiritual levels.

Keywords: Scientific endowment, Scientific authority, Iran's scientific civilization, repatriation of scientist and scholars, divine proximity

* Corresponding Author. Professor., Tel: +982188645585, Email: Email: mdamad@me.com

¹ Fellow and Head of the Islamic Studies Group Iran Academy of Sciences